



نوع سوم: بخت آزمائی قرض الحسنه:

چنانکه گفتیم در این نوع، فرد مالی را به کسی (یا شرکتی) قرض می دهد و بعد از پایان قرعه کشی هم قرض خود را پس می گیرد ولی در ضمن این قرض، شرط می شود که در میان قرض دهندگان قرعه کشی صورت گیرد و به برنده جایزه ای تعلق گیرد.

مرحوم خوئی این نوع را (که نوع سوم تقسیم بندی کرده است) حرام می داند و آن را مصداق ربا برمی شمارد: «(الثالث): أن يكون دفع المال بعنوان إقراض الشركة بحيث تكون ماليتها له محفوظة لديها، و له الرجوع إليها في قبضه بعد عملية الاقتراع، و لكن الدفع المذكور مشروط بأخذ بطاقة اليانصيب على أن تدفع الشركة له جائزة عند أصابه القرعة باسمه، فهذه المعاملة محرمة لأنها من القرض الربوي»^۱

همین مطلب مورد فتوای مرحوم تبریزی و آیت الله سیستانی هم واقع شده است^۲

ما می گوئیم:

۱. در زمره مباحث قرض، مطرح است که «مستحب است که قرض گیرنده، موقع اداء قرض چیزی را مازاد به قرض دهنده بدهد» در این باره روایتی است که در آن حضرت صادق (ع) می فرمایند: «خير القرض الذي ينجر المنفعة»^۳ ولی این در این صورت است که اضافه (منفعت) در ضمن عقد قرض شرط نشده باشد. چنانکه حضرت صادق (ع) می فرمایند:

«محمد بن الحسن بإسناده عن علي بن إبراهيم ، عن أبيه ، عن ابن أبي عمير ، عن حماد ، عن الحلبي ، عن أبي عبد الله عليه السلام قال : إذا أقرضت الدراهم ثم جاءك بخير منها فلا بأس إذا لم يكن بينكما شرط»^۴

۲. حضرت امام در تحریر الوسیله نسبت به این مسئله چنین اشاره می کنند:

«مسألة ۹: لا يجوز شرط الزيادة؛ بأن يقرض مالاً على أن يؤدي المقرض أزيد مما اقترضه؛ سواء اشترطه صريحاً، أو أضمراه بحيث وقع القرض مبنياً عليه، وهذا هو الربا القرضي المحرم

۱. منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۴۳۳

۲. ن. ك: المسائل المنتخبة، ص ۴۳۱؛ منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۴۷۰

۳. کافی، ج ۱۰، ص ۳۵۳

۴. وسائل الشیعة ط- آل البيت، ج ۱۸، ص ۳۶۰ ح ۲۳۸۴۹



الذی ورد التثدید علیه. ولا فرق فی الزیادة بین أن تكون عینیة كعشرة دراهم باثنی عشر، أو عملاً كخیاطة ثوب له، أو منفعة أو انتفاعاً كالانتفاع بالعين المرهونة عنده، أو صفة مثل أن یقرضه دراهم مكسورة علی أن یؤدیها صحیحة. وكذا لا فرق بین أن يكون المال المقترض ربویاً؛ بأن كان من المکیل والموزون، وغیره بأن كان معدوداً كالجوز والبیض.

(مسألة ۱۰): لو أقرضه وشرط علیه أن یبیع منه شیئاً بأقل من قیمته، أو یؤاجره بأقل من أجرته كان داخلًا فی شرط الزیادة. نعم لو باع المقترض من المقرض مالاً بأقل من قیمته، وشرط علیه أن یقرضه مبلغاً معیناً لا بأس به.

(مسألة ۱۱): إنَّما تحرم الزیادة مع الشرط، وأمَّا بدونه فلا بأس، بل تستحب للمقترض؛ حیث إنَّه من حسن القضاء، وخیر الناس أحسنهم قضاءً. بل یجوز ذلك إعطاءً وأخذاً؛ لو كان الإعطاء لأجل أن یراه المقرض حسن القضاء، فیقرضه كلِّما احتاج إلى الاقتراض، أو كان الإقراض لأجل أن ینتفع من المقترض لكونه حسن القضاء، ویکافی من أحسن إليه بأحسن الجزاء بحیث لولا ذلك لم یقرضه. نعم یكره أخذه للمقرض، خصوصاً إذا كان إقراضه لأجل ذلك، بل یرتجى أن یقرضه. نعم یكره إعطائه شیئاً بعنوان الهدیة ونحوها یحسبه عوض طلبه؛ بمعنی أنه یسقط منه بمقداره.»^۱

۳. با توجه به اینکه گفتیم، نفس شرکت در یک قرعه کشی، از نظر عقلاً قیمت دارد، لذا در این فرض (نوع سوم) در حقیقت قرض گیرنده، هم مال قرض گرفته شده را به قرض دهنده پس می دهد و هم با شرکت دادن در قرعه کشی، مازادی (منفعتی) را به او تملیک می کند و از این جهت اگر در ضمن قرض، شرکت در قرعه کشی، شرط شود، «ربا» صادق خواهد بود.

۴. اما اگر به هر جهتی، شرکت در قرعه کشی، شرط قرض نباشد (و لو اینکه انگیزه قرض دهنده باشد)، ظاهراً مانعی از این امر موجود نیست

۵. کما اینکه اگر به ذیل مسئله ۱۰ (تحریر الوسیلة) ملتزم شویم، ممکن است بتوان برای تصحیح این نوع از بخت آزمایی گفت:

اگر برگزارکننده بخت آزمایی، همه افراد را در قرعه کشی شرکت می دهد به شرط اینکه مبلغی را به او قرض بدهند (یعنی شرکت در قرعه کشی، شرط برای قرض نیست، بلکه شرط شرکت داده شدن مجانی در قرعه کشی مشروط بر فرض است)، این نوع به ربای قرضی منتهی نمی شود.

۱. تحریر الوسیلة (دو جلدی)، ج ۱، ص ۶۲۰

و ادله شرط‌بندی هم شامل آن نمی‌شود، چرا که مالی رهن گذاشته نشده است و شرکت در قرعه کشی
مجانی است.

۶. اما درباره ذیل مسئله ۱۰ می‌توان در جای خود اشکالاتی را مطرح کرد و سخن حضرت امام
درباره حیل ربا را در نفی این قسم هم پذیرفت.

